

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه و اشرف بريته محمد و آله الطاهرين، لاسيما بقية الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الاولين و الاخرين.

قال الله عزوجل: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»<sup>١</sup>

**دعوت خداوند به امامت امير المؤمنين عليه السلام سلام الله عليه**

قسمت اول: کلیات امامت در قرآن

قسمت دوم: ضوابط امامت در قرآن

قسمت سوم: تعیین مصداق بر ضوابط امامت در قرآن

آیات را بنده بر چند قسم تقسیم کردم، خلاصه این شد که آیاتی در قرآن مجید داریم در موضوع امامت که از این آیات تعبیر کردیم به کلیات امامت در قرآن، این آیات را خواندیم بعد قسمت دوم را عنوان کردیم به عنوان ضوابط امامت در قرآن و آیاتی را در آن جا ذکر کردیم که در آن آیات نفی و اثبات بود.

آنچه در آن نفی شده است عبارتند از:

١. امام نباید فاسق باشد؛ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ<sup>٢</sup>
٢. امام نباید سابقه ظلم داشته باشد؛ لَّا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ<sup>٣</sup>.
٣. امام نباید سابقه شرک داشته باشد؛ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ<sup>٤</sup>.
٤. امام نباید جاهل باشد؛ هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون<sup>٥</sup>
٥. امام نباید از قاعدین از جهادین فی سبیل الله باشد فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجرا عظيما<sup>٦</sup>.
٦. امام نباید محتاج به هدایت دیگری باشد؛ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى<sup>٧</sup>.

١. نحل / ١٢٥

٢. سجده : ١٨

٣. بقره: ١٢٤

٤. لقمان: ١٣

٥. زمر : ٩

٦. نسا ٩٥:

٧. یونس ٣٥:

و آنچه در آن اثبات شده عبارتند از:

۱. امام باید اتقی الناس باشد؛ **إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ**<sup>۸</sup>
۲. امام باید مرجعیت علمی داشته باشد؛ که هرگاه سوالی بشود پاسخ و جواب صحیح داده شود. همانی است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي**<sup>۹</sup>. اینکه از یک کسی سوال بشود نه یک بار نه دو بار و نه سه بار و نتواند جواب بدهد، حتی بگوید زن ها در خانه ها از من اعلم و افقه هستند، چنین کسی نمی تواند امام المسلمین و خلیفه رسول رب العالمین باشد. **فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**<sup>۱۰</sup>.
۳. امام باید سبقه دینی داشته باشد؛ **وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰) أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱)**<sup>۱۱</sup>
۴. و در جایی دیگر فرمود: یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین . و ...

## تعیین مصداق بر ضوابط امامت در قرآن

### ۱. آیه تطهیر

**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**<sup>۱۲</sup>

معلوم است که این جور افراد که **يُطَهَّرُكُمْ تَطْهِيراً** هستند، این ها هستند که اتقی خواهند بود. همین ها هستند ان اکرمکم عند الله اتقی کم، معلوم است که این ها هستند که احق ان یتبع خواهند بود، آن هایی که به اراده خدوند متعال طاهر هستند، آن ها هستند که لیاقت دارند که متبع واقع شوند، مقتدا واقع شوند، امام و رهبر قرار بگیرند.

راجع به این آیه ی مبارکه بحث فراوان است، بعضی از بی سواد ها می گویند؛ آیه تطهیر، این آیه نیست، این قسمتی از آیه است و حال اینکه ما آیه الكرسي داریم که تقریباً یک صفحه است، ما آیه نجوا داریم که چند آیه است، اساساً آیات قرآن مجید حتی کلمات قرآن مجید هم آیه هستند و از آن طرف در خصوص آیه تطهیر باید عرض کنم این آیه مبارکه آیه مستقلی است که در واقعه ی خاصه ای نازل شده است. شاهد آن روایاتی است که پیامبر اکرم خودشان و امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه طاهره و حسنین علیهم السلام تحت عبایی قرار گرفتند، و آیه مبارکه در این واقعه نازل شد.

<sup>۸</sup>الحجرات:۱۳

<sup>۹</sup>بصائر الدرجات ج ۱ ص ۲۶۶:

<sup>۱۰</sup>النحل:۴۳:

<sup>۱۱</sup>واقعه:

<sup>۱۲</sup>احزاب - ۳۳:

اساساً محققین می گویند که این آیه مبارکه مکرر نازل شده و ما در کتب علوم قرآن، فصلی داریم در آیاتی که مکرر نازل شده اند، آن آیات و آیه تطهیر از همین قبیل است، که مره در خانه ام سلمه، ام المومنین نازل شده است، مره در خانه صدیقه طاهره سلام الله علیها نازل شده است و غیر از این دو بار هم لعل نازل شده باشد.

این آیه مبارکه که داستان حدیث کسا معروف است و مصادر و منابع و اسانید بسیار معتبر دارد و از این جا معلوم می شود که انما یرید الله لیزهیب عنکم الرجس نه ربطی به قبل دارد و نه بعد، در سوره احزاب قرار گرفته است ولی در یک واقعه خاصه ای این آیه مبارکه نازل شده است، کسی نگوید که این تحریف است، این حرف تحریف نیست.

### عدم تحریف در قرآن

شما می دانید در سور مکیه آیات مدنیه فراوان است، در سور مدنیه آیات مکیه فراوان، کسی اسم این آیات را تحریف نمی گوید. و الا اولین کسی که تحریف کرده است قرآن را خود اونها هستند که این قرآن را تدوین کرده اند. این تحریف نیست

### نکته مهم در مکان اصلی آیه تطهیر

برای اینکه در تاریخ بماند، مطلبی که الان می خوام عرض بکنم، عرض می کنم: از مرحوم آقای فاضل کاشانی، شنیدم که ایشان از وعاظ و علمای معروف تهران بود و وقتی فوت شد اولاد ایشان از بنده خواستند که نماز ایشان را بخوانم، رفتم به تهران برای شرکت در تشییع و نماز ایشان را بنده خواندم. ایشان فرمودند: وقتی رفتم به عیادت مرحوم علامه امینی در بیمارستان تهران، ایشان به من گفتند: که در سفری که رفتم به هندوستان قرآنی به دستم افتاد به خط بعضی از صحابه که آیه تطهیر در سوره هل اتی بود نه در سوره احزاب این مطلب را عرض کردم که بماند در تاریخ و نگویند این تحریف است، اگر کسی بگوید این تحریف است، یا سواد ندارد و یا مغرض است. راجع به آیه تطهیر کتاب زیاد نوشته شده خود بنده هم راجع به آیه تطهیر کتاب دارم که چاپ شده است.

اجمالاً ما تحریف را قایل نیستیم، اون تحریفی که به معنای نقصان قرآن مجید است، دیگران قایل اند که گفتند: فلان آیه در برگ درختی نوشته شده بود و آن حیوان وارد اتاق شد و آن برگ درخت را خورد قرآن رفت در شکم آن حیوان آن ها قایل هستند به تحریف قرآن. یا ابن مسعود گفت که اساساً معوذتین از قرآن نیست و اضافه شده است در قرآن. این تحریف به زیاده، عبدالله ابن مسعود که آقایون متحیر هستند چگونه این مشکل را حل کنند. عبد الله بن مسعود بزرگه از نظر مسلمین چگونه می شود در این قرآن وجود دو سوره را نفی کند.

شما نگاه کنید به کتاب تحریف قرآنی که بنده نوشتم، ترجمه هم شده فارسی این داستان در آن جا مفصلاً در آن ذکر شده است. بنابراین کسی ما را متهم نکند به تحریف، ما می گوییم آیه تطهیر در یک واقعه خاصه نازل شده که حدیث کسا در آن واقعه بوده، البته در سوره احزاب قرار گرفته که الان این طور است. آیه تطهیر دلالت دارد بر عصمت اهل بیت علیهم السلام، یعنی عصمت اهل کسا، دلالت بر عصمت دارد و

ما در اسلام غیر از این ها یعنی چهارده معصوم معصومی نداریم. پس ملاحظه می کنید که بعد از آن ضوابط، مصداق مشخص شد، که یا آنها الناس می خواهید امام داشته باشید، امامی را که ما برای شما معین می کنیم، امامی که نصبش بید الله است، امامی است که خداوند متعال اراده کرده است طهارت او را، و یطهرکم تطهیراً.

## ۲. آیه مودت

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۱۳

اهمیت الموده فی القربی وقتی معلوم می شه که کلمه اجر را خوب بدانیم، کلمه اجر در لغت قرآن و یا لغت عرب به چه معناست، اجر را در جایی استعمال می کنند که کسی کاری را انجام بدهد در مقابل آن کار به او چیزی داده شود. وقتی این اجر است که مساوات باشد بین اون کار و بین آنچه که داده شد، اگر کارگری هشت ساعت کار کرده، شما مساوی هشت ساعت باید به او اجرت بدهید. کمتر بدهید ...

رسالت پیامبر اکرم چه جهتی دارد، چه عظیمیتی دارد، چه اهمیتی دارد، که اجر رسالت باید الموده فی القربی باشد. حالا المودت فی القربی باید اجر رسالت باشد، المودت فی القربی چه تاثیری دارد، چه معنایی دارد، چه خصوصیتی دارد، که بشود اجر رسالت؟ آیا عاقلی با وجود ذوی القربایی که مودتشان اجر رسالت قرار گرفت با وجود این ها پیروی از دیگری می کند امامت دیگری را قایل می شود؟ چرا شد اجر رسالت؟ المودت فی القربی، چرا شد اجر رسالت؟ نوشتند که اهالی مدینه بین خودشان اجتماع کردند؛ یعنی بزرگان قبایل مدینه اجتماع کردند و گفتند پیغمبر اکرم حق بزرگی بر ما دارد خوب است که ما جبران کنیم، مبالغی را جمع کردند، آوردند خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند این مبلغ در خدمت شما باشد تا شما نیازی به احدی نداشته باشید، این مبلغ در اختیار شما باشد که شما دیگه در زندگیتون احتیاج به کسی نداشته باشید، آیه ناز شد که اجر رسالت من المودت فی القربی است وقتی از خدمت ایشان خارج شدند قال بعضهم انما قال هذا لنقاتل عن اهل بيته و نصرهم، همین طور هم شد که پیغمبر اکرم، این را بدانید شما، که پیغمبر اکرم از اهالی مدینه یعنی از انصار، چون حضرت از مهاجرین نگرانی داشتند این را بدانید، پیغمبر اکرم برای بعد از خودشان نسبت به اهل بیت شان نگران بودند نگرانی از مهاجرین بود. از انصار پیغمبر اکرم قول گرفتند که هم چنانی که عهد گرفتند که همچنانی که از خانواده های خوشان دفاع می کنند و حمایت می کنند، از اهل بیتشان نیز دفاع کنند متأسفانه نقض کردند اهل مدینه و صدیقه طاهره در خطبه شان خطاب به اهل مدینه بود نه به مهاجرین. البته در اثنا هم به مهاجرین تعریضاتی داشتند طرف خطابشان بنی قیله بوده این مادر بزرگشان بوده به نام قیله. ای بنی قیله اهل خود مدینه این واقعیت امر است بر آیه ی المودت فی القربی.

عبد الله بن مسعود می گه: کنا مع رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم فی مسیر، جای می رفتیم در خدمت پیغمبر اکرم فهتف به اعرابی بصوت جهوری عربی صدایش زد یا محمد الی من تدعوا؟ به سوی چه کسی و چه چیزی دعوت می کنی؟ قال الی شهادت ان لا اله الا الله و

انی رسوالله و اقام الصلاه و ایتا الزکاه و الصوم شهر رمضان و حج البیت این برنامه ی من است دعوت به این ها می کنم. آن عرب گفت فهل تطلب علی هذا اجرا آیا در مقابل این دعوتی که می کنی اجری هم تقاضا داری قال لا الا الموده فی القربی. اون عرب گفت اقبایبی یا محمد ام اقبایبک، الموده فی القربی کدوم قربی؟ قربی خوم؟ یعنی مسلمین باید موده فی القربی خودشان داشته باشند؟ یا الموده القربای شما؟ قال بل اقبایبی، اقبایبی خودم این است که عرب گفت: هات یدک حتی ابايعک، فلا خیر فی من یودک ولا یودّ قرباک.<sup>۱۴</sup>

در یک روایت دیگری همین روایت آمده که گفت لعنه الله و رسوله بر اون کسی که مودت قربای شمار را نداشته باشد پیغمبر اکرم فرمودند امین.

این در منابع هست در منابع دست اول موجود است پس مراد از اقبایبی هم معلوم شد. المودت فی القربی اجر رسالت است آیا با این قربایی که، قربای پیغمبر اکرم هستند که امر شد به مودتشان و مودتشان اجر رسالت قرار گرفت با وجود این ها انسان به سراغ دیگری برود؟ اگر قرار بود اختیار با خودمان باشد، آیا خداوند متعال با وجود این افراد دیگرانی را برای امامت نصب می کند؟ ابن عباس می گوید: این افراد کیا هستند؟ سوال شد مکرر. گفت علی و فاطمه و اینها.

انوقت امام مجتبی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و ائمه دیگر ما به این آیه استدلال کرده اند بر حق خودشان که در احتجاجات ائمه عرض خواهیم کرد ان شا الله تعالی. و کتابی بنده در مورد خصوص این آیه مبارکه نوشتم که مستقلا به چاپ رسیده است.

### ۳. آیه مباهله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ<sup>۱۵</sup>

از این آیه مبارکه استفاده می شود که یکی از راه های دعوت الی الحق مباهله است، یکی از راه های جادلهم بالتی هی احسن، مباهله است. از این آیه استفاده می شود که امیرالمؤمنین علیه السلام علیه السلام نفس رسول الله هستند چون وقتی برای مباهله آمدند پیغمبر اکرم، کسان دیگری را همراهشان نیاوردند، الا امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه طاهره و حسنین همان ذوی القربی که در آیه قبل خواندیم. این ها هستند که پیامبر اکرم برای مباهله با نصاری نجران آوردند. اگر از این ها اشرف وجود داشت اگر از این ها اقرب الی الله و روسله وجود داشت اگر از این ها اولی وجود داشت و ابرومندتر عند الله و رسوله و عند امه وجود داشت پیغمبر اکرم فقط این ها را نمی آوردند.

<sup>۱۴</sup>. مسند الصحابة ۲/ ۱۲۷ ح ۶۶۴.

<sup>۱۵</sup>ال عمران ۶۱.

و از آن طرف، پیامبر اکرم در داستان مباحله خطاب کردند به اهل بیت فرمودند: اذا انا دعوت فامنوا؛ خیلی جای دقت است، که اگر من دعا کردم یا نفرینی بر نصاری و کفار کردم در مباحله، شما امین بگید. حسنین سنان چقدر بوده؟ امین گفتن حسنین چه دخلی داشته؟ امیین گفتن صدیقه طاهر و امیرالمؤمنین علیه السلام چه نقشی داشته؟ مگر دعای پیغمبر اکرم به تنهایی کافی نیست چه نیازی هست به امین گفتن اهل بیت از این جا معلوم می شود که در بقا اسلام، نصرت اسلام، غلبه اسلام بر سایر ادیان، وجود اهل بیت، حضورشان نقش و تاثیر بی بدیلی داشته، اذا انا دعوت فامنوا؛ این در منابع معتبر است کمتر گفته می شود اذا انا دعوت فامنوا.

این قضیه مباحله از امتیازات بزرگ اهل بیت است، به جوری که سعی کردند که ادعا کنند که غیر از اهل بیت هم در مباحله حضور داشتند. رساله مخصوصی در آیه مباحله نوشتم و این مطالب را در آن جا نگاه کنید. این حدیث را از صحیح مسلم برایتان می خوانم؛ صحیح مسلم یکی از دو کتابی است که می گویند اصح الکتب. عین عبارت: أمر معاوية بن أبي سفيان سعداً فقال ما منعك أن تسب أبا تراب؟<sup>۱۶</sup> سعد بن ابی وقاص وارد شد بر معاویه، معاویه به او گفت چرا سب نمی کنی ابوتراب را امیرالمؤمنین علیه السلام را. فقال اما ما ذكرت ثلاثاً قال هن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم فلم اسبه، تا وقتی این سه تا حدیث از پیامبر در گوشم هست و به یاد دارم هرگز علی را سب نخوام کرد. سمعت رسواله الله يقول له و قد خلفه في بعض مغاضيه و قال له على يا رسول الله خلفتني مع النساء و الصبيان و قال له رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم اما تروا ان تكون مني بمنزله هارون من موسى الا انه لا نبوه بعدى، این یک حدیث.

وسمعه يقول يوم الخيبر لا عطين رايه رجلا يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله فتناولنا لها، همه خودمان را آماده کردیم که شاید اون رایه را پیغمبر اکرم به ما بدهند؛ فقال ادعوا لي علياً را صدا بزنید بیاد فاتی به ارمدم، در حالی که چشم درد داشتند امیرالمؤمنین علیه السلام فبسق في عينه، اب دهانشان را در چشم امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادند و دفع رایه الیه و فتح الله علیه. این حدیث دوم و اما حدیث سوم؛ محل شاهد و لما نزلت هذه الآية فقال تعالى ندع ابنانا و ابنانکم تا اخر دعا رسول الله، علیاً و فاطمه و حسناً و حسیناً؛ فقال: اللهم هؤلاء اهل بيتي این سه تا حدیث که از جمله آیه مباحله است مانع شد از اینکه سعد بن ابی وقاص جسارت بکند به امیرالمؤمنین علیه السلام که او می خواست این بدعت را بگذارد که عده ی کثیری هم از او تبعیت کردند، اجمالاً اهمیت داستان مباحله این است که نمی شود با وجود این ها خداوند متعال دیگری را برای امامت اختیار کند و اگر بر فرض نصب امام بر دست مردم باشد هیچ عاقلی با وجود این ها به دیگری مراجعه نخواهد کرد و او را برای امامت انتخاب نخواهد کرد.

#### ۴. آیه نجوا

۱۶. سنن الترمذي ج ۵ ص ۳۰۱، فتح الباري ج ۷ ص ۶۰، السنن الكبرى ج ۵ ص ۱۰۷.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (١٢) أَلَسَفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٣) ١٧

این آیه آیه نجوی است دستور آمد که بر شما حرام است با پیامبر اکرم نجوا کنید مگر اینکه قبل از نجواتون صدقه ای به فقیری پردازید. احدی از اقبایونی که می خواستند دور و بر پیامبر باشند با حضرت دیگر نجوا نکردند و ترک کردند پیغمبر اکرم را. برای خاطر اینکه به فقیر صدقه ندهند آن وقت ملامت شدند؛ أَلَسَفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ؟ ترسیدید که صدقه بدهید فقیر بشید، فقط و فقط امیرالمؤمنین علیه السلام اند که به این آیه عمل کردند صدقه دادند و با پیغمبر اکرم نجوا کردند یعنی از پیغمبر اکرم سوال پرسیدند پیغمبر اکرم جواب دادند کسی که به این آیه عمل کرد فقط و فقط امیرالمؤمنین علیه السلام بود در این آیه فضیلت بزرگی برای امیرالمؤمنین علیه السلام است و منقصت بزرگی برای صحابه ایی که می توانستند صدقه بدهند و نجوا کنند از محضر حضرت استفاده کنند و ندادند صدقات را و نجوا را ترک کردند.

عبد الله ابن عباس می گوید إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا بِتَقْدِيمِ الصَّدَقَةِ، وَبَخَلُوا أَنْ يَتَصَدَّقُوا قَبْلَ كَلَامِهِ، وَتَصَدَّقَ عَلَيَّ، وَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ غَيْرِهِ».<sup>١٨</sup>

عبد الله بن عمر می گوید: فكان لعلی ثلاثة، همان طور که سعد بن ابی وقاص سه تا حدیث را گفت، سه تا فضیلت را گفت، که امتیازات اهل بیت بود. این افاضه خودشان می گوید؛ سه تا فضیلت برای امیرالمؤمنین علیه السلام است، فقال لعلی ثلاثة لا كانت لی واحده منهن كانت احب الی من حمر نعم این حمر نعم، کنایه است، از ثروت بزرگ و مال دنیا اگر من کمی از این سه تا را داشتم برای من خیلی ارزشمند بود: اول: تزویجه بفاطمه؛ این تزویجه بفاطمه را به طور اختصار بعدا عرض خواهم کرد.

دوم: اعطاه رایه یوم الخیبر؛ این را سعد بن ابی وقاص هم گفت که راجب این قضیه هم بعدا عرض خواهم کرد.  
سوم: آیه النجوی؛ این ها امتیازات امیرالمؤمنین علیه السلام است. آن وقت امیرالمؤمنین علیه السلام افتخار می کند می گویند آیه ای در قرآن هست که احدی به ان عمل نکرد الا خودم.

حالا با وجود چنین کسی خداوند متعال دیگری را برای امامت نصب می کند؟ و اگر بنا باشد مردم اختیار بکنند، اختیار آزادانه، اختیار با کمال آزادی، غیر از چنین کسی را اختیار می کنند؟

آن وقت فخر رازی را نگاه کنید در ذیل این آیه چه می کند؟ چنان کوشش می کند که این فضیلت را از امیرالمؤمنین علیه السلام سلب کند به جوری که نظام الدین نیشابوری صاحب تفسیر غرایب القرآن که اون هم مفسر بزرگی است می گوید:

کلام فخر رازی را نقل می کند می گه هذا الکلام لا یخلو عن تعصب، آن وقت بعضیها می شنوند دیگه، می بینند در بعضی از محافل، او را با احترام ذکر می کنند و حال اینکه نمی دانند واقع امر فخر رازی را نمی دانند عذرشان ندانستن است. نمی دانند، هذا الکلام لا یخلو عن تعصب

<sup>١٧</sup>مجادله ١٢ و ١٣:

<sup>١٨</sup>دلایل الصدق ج ٥ ص ٣٥:

و من این یلزما ان ثبت مفضولیه علی فی کل خصلت، کی ما را ملزم کرده چه دلیلی در این هست که ما همیشه سعی کنیم علی را مفضول قرار بدهیم و دیگری را فاضل بر امیرالمؤمنین علیه السلام و مقدم کنیم، چه دلیلی بر این داریم چرا فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را با تعصب انکار می کنید، و لم لا يجوز ان تحصل له فضیله لم توجد لغيره من اکابر صحابه، چه مانعی دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام علی علیه السلام فضیلتی داشته باشد که برای اولی و دومی و غیر ذالک نباشد. چه مانعی دارد لم لا يجوز ان تحصل له لعلی فضیله لم توجد لغير من اکابر صحابه و هل يقولون منصفون ان مناجات النبی تقيصه این چه حرفیه شما می زنید علی انه لم يرد فی الآیه نهی عن المناجات و انما ورد تقديم الصدقه علی المناجات و من عمل ب الابیه حصل له الفضیله من جهتین؛ این ها را بنده در رساله مخصوص آیه نجوا نوشته ام، کسانی که تفصیل آن را می خواهند به ان جا مراجعه کنند.

پس ان اکرمکم عند الله اتقیکم چه کسی است؟ احق ان يتبع چه کسی است؟ ایا غیر از این کس را، این شخصیت را، خداوند متعال برای امامت و خلافت از پیغمبر اکرم نصب می کند؟ چنین چیزی می شود؟

## ۵. آیه لَيْلَةُ الْمَبِيتِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ<sup>۱۹</sup>

. این آیه کجا نازل شده؟ این آیه در شان امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده در شب هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که در این آیه هم باز نفی و اثبات وجود داد. خوب دقت کنید چی می گم عرایضی را می گویم، گفته ام و خواهم گفت، ان شا الله، خیلی ها از مومنین و خیلی از شیعیان، نشنیده اند گفته نشده برایشون؟

در شب هجرت که پیغمبر اکرم که می خواستند از مکه به طرف مدینه بروند دو نفر خبر داشتند از رفتن پیغمبر اکرم، و به این دو نفر پیشنهاد شد، خلیفه اول و امیرالمؤمنین علیه السلام علیه السلام، آقا جای من می خوابید؟ نه من معذورم ببخشید، رو کردند به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتند شما جای من می مانید امشب را؟ بیتوته می کنید؟ حضرت فرمودند: بله با کمال میل و من تسلیم هستم لله و رسوله.

وقتی این آیه مبارکه نازل شده و پیغمبر اکرم خلیفه اول را با خودشان بردند در غار، اینکه گفته می شود در غار کس دیگری بوده، بنده قبول ندارم، بلکه خود خلیفه اول بوده است. در این جا آیه نازل شد، که در اون آیه خلیفه اول نهی شد از حزن.

کانه گریه می کرده از ترسش. امیرالمؤمنین علیه السلام یشری نفسه ابتغا مرضات الله فروختند جانشون را به خداوند متعال در مقابل رضای خداوند متعال، و او در اونجا حاجتی داشت که امر شد که آقا نکن لاتحزن.

مقایسه کنید این دو تا آیه را، بسنجید این دو واقعه را، آن وقت نتیجه باخودتان، خودتان چه نتیجه ای می گیرید.

و لذا، به اعتقاد بنده، که این آیه نه فقط به نفع امامت خلیفه اول نیست، بلکه به ضرر است، در شرح مقاصد این آیه ذکر نشده در شرح مواقف این آیه ذکر نشده در قسمی از کتب کلامیه استدلال به این آیه اصلا نشده است.



ما در مقام بحث هستیم نه اینکه خدای نکرده می خواهیم مطالبی بگوییم، بعضی از مردم از ما ناراحت بشوند. نه قصد ما این نیست. این ها بحث است و تفصیل این مطلب در جای خودش.

## ۶. آیه ابلاغ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ<sup>۲۰</sup>

دیگر از آیاتی که داریم که تعیین مصداق می کند؛ به کل موضوع آیات غدیر خم، نگاه بکنید، قبل از خطبه پیغمبر اکرم در روز غدیر، دقت کنید این آیه را با آیه و ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ببینید چه نتیجه ای بدست می آورد. این دو آیه را با هم بسنجید بنده خواهش می کنم مخصوصا طلاب خودمان در این موسسه که محقق باشند و تحقیق کنند این آیه را بسنجید با آیه الا الموده فی القربى.

قبل از خطبه این آیه نازل شده یا ایها الرسول بلغ و بعد از خطبه این آیه نازل شد الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا<sup>۲۱</sup>

باز این و رضیت لكم الاسلام دینا، را با اون آیه مبارکه مربوط به امام زمان با هم بسنجید که در آن آیه چپی داریم؟ در آن آیه مبارکه داریم لِيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ<sup>۲۲</sup>

دقت باید بکنیم در آیات. این دو تا آیه نازل شده. آیه سومى هم هست. اون آیه سوم به این مناسبت نازل شد که یکی از صحابه آمد گفت یا محمد (صلی الله علیه و اله و سلم ) ، (تا دیروز می گفتند یا رسول الله حالا آمده می گه یا محمد) انک امرتنا ان نشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله فقبلنا منک ذلک و انک امرتنا ان نصلی خمس صلوات فی الیوم و الیله و نصوم شهر رمضان و نحج البیت و نرکى اموالنا فقبلنا منک و لم ترض بهذا اکتفا به این نکردی حتی رفعت بضعی ابن عمک پسر عمویت دستهایش را بردی بالا و فضلته علی الناس و قلت من کنت مولاه فعلی مولاه فهذا شی منک ام من الله؟  
علی را بر همه ی مردم تفضیل دادی هذا شی منک ام من الله.

تا دیروز این طور حرف نمی زدند با پیغمبر اکرم حداقل در ظاهر این چنین نبودند خب در باطن خیلی هاشون منافق بودند فقال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و قد احمرت عیناه پیغمبر اکرم وقتی ناراحت می شدند چشمانشان قرمز می شده و الله حضرت قسم می خورند و الله الذی لا اله الا هو انه من الله و لیس منی<sup>۲۳</sup>.

<sup>۲۰</sup> مایده ۶۷:

<sup>۲۱</sup> مایده ۳:

<sup>۲۲</sup> نور ۵۵:

<sup>۲۳</sup> العدد القویه لدفع المخاف الیومیه ۱۸۶:

فقام رجل و هو يقول؛ -نفرین کرد به خودش - اللهم ان كان ما يقول محمدا حقا، ببینید چه جور ایجاد تشکیک می کند فارسل علینا، نه خودش به تنهایی حجاره من السماء او اتنا بعذاب الیم قال الراوی : فو الله ما بلغ ناقته، حیوانی که سوار می شد، رفت که سوار بشود. حتی رماه الله من السما بحجر فوق علی هامته و خرج من دبره و ماتت و انزل الله تعالی سال سایل بعذاب واقع، در خصوص آیات غدیر خم هم مستقلا رساله ای نوشتم کسانی که تفصیل مطلب را می خواهند به ان جا مراجعه کنند.

بنابراین ملاحظه می کنید حداقل سه آیه در واقعه غدیر خم نازل شده:

در آیه اولی امر شده به تبلیغ ولایت و دعوت مردم به بیعت با حضرت امیر که روایت شده خلیفه دوم آمد، گفت: یخ یخ لک یا علی، اصیحت مولای و مولا کل مومن و مومنه.

در آیه دوم اخبار شده از اینکه دین کامل شد از اینکه از امروز به بعد دین اسلام مورد رضای خدا است.

در آیه سوم که دید این صحابی چه کار کرد، دیگر به پیغمبر اکرم سلام و اظهار احترام کردن، یا رسول الله گفتن، دیگر به اسم صریح حرف می زنند و از اون طرف به اعتراض اینکه چرا پسر عمویت را آوردی بالا و او را بر ما مقدم کردی، بالاخره حضرت ناچار شدند قسم بخورند آن وقت خودش را نفرین کرد و نفرینش فی المجلس مستجاب شد.

پس بنابر این، این آیات هم دلالت دارند بر اینکه نمی شود غیر امیرالمؤمنین علیه السلام را خداوند متعال برای امامت و خلافت بعد از رسول الله، خداوند متعال نصب بکند.

و به اعتقاد بنده این حرف صحابی تنها خودش نبوده این یک جریان بوده. انزل علینا حجاره من السماء، این هم این جهت.

آن وقت در اخر عمر پیغمبر اکرم سوره مائده نازل شد. فریقین نوشته اند یعنی هم ما نوشته ایم و هم اون ها نوشتند، که آخرین سوره ای که بر پیغمبر اکرم نازل شده است سوره مائده است.

سرانجام در سوره مائده اواخر عمر پیغمبر اکرم؛ انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون، این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده که در حال رکوع امیرالمؤمنین علیه السلام صدقه دادند به آن شخص.

در این آیه مبارکه ولایت هایی که خدا دارد، رسول خدا دارد، همه این ولایت ها برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت شد، آن وقت کسی که همه ولایت های خدا و رسول را دارد، اولی است برای امامت و خلافت؟ یا دیگری که جزئی از هزاران جز از این ولایت ها را ندارد؟

کدوم عاقل می پذیرد امامت دیگری را غیر از امامت امیرالمؤمنین علیه السلام؟

ولایت تکوینی که رسول الله دارد برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است، ولایت تشریحیه که رسول الله دارند، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است، ولایت بر احکام که پیغمبر اکرم دارد، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است، ولایت در امور شخصی که برای پیغمبر اکرم ثابت است، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است این چهار ولایت باید مورد بحث قرار بگیرد. و من امید داریم انقریت ان شا الله تعالی، این چهارتا ولایت در همین جا و در همین محضر برای شما ها و سایر دوستان که به دنبال این مطالب هستند و علاقه منداند به شناخت مقامات امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت این مطالب را در همین جا به اسرع وقت مطرح خواهم کرد.

این بود قسم سوم از آیاتی که بنده تقسیم کردم که مصادیق ضوابط را در این آیات خداوند متعال بیان فرموده، ان شا الله بحث بعدی ما این است که انبیای گذشته هم مامور بودند (التفات می کنید؟)، انبیای گذشته هم مامور بودند که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ کنند که ان شا الله در مجلس آینده عرض خواهم کرد.